

مشکلات و مسائل دانشگاهها در کشورهای در حال توسعه



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

- « پنجمین سمینار مشکلات و مسائل دانشگاهها در کشورهای »
- « در حال توسعه از تاریخ ۲۸ تیرماه تا ۱۱ مردادماه ۱۳۵۱ »
- « در دانشگاه امریکائی بیروت تشکیل گردید و آقای دکتر »
- « علی اکبر حسینی دانشیار بخش روان شناسی و علوم تربیتی و »
- « سرپرست امور پذیرش ، بعنوان نماینده دانشگاه پهلوی ، »
- « در آن شرکت کردند. آقای دکتر حسینی گزارش مختصری از این »
- « سمینار را برای ما فرستاده اند که ضمن سپاسگزاری از ایشان »
- « ذیلا به درج آن مبادرت میورزیم . »

موضوع مورد بحث این سمینار بررسی علل، عوامل، و احتمالات عواقب و مشکلات ناشی از توسعه آموزش عالی در کشورهای در حال توسعه بود و نمایندگان از کشورهای افغانستان، مصر، ایران، عراق، کویت، لبنان، پاکستان، عربستان سعودی، سودان، سوریه، تونس، و ترکیه در آن شرکت داشتند. جلسات این سمینار همه روزه به استثنای روزهای شنبه و یکشنبه از ساعت ۸ صبح تا یک بعد از ظهر تشکیل میشد و همه نمایندگان وظیفه داشتند که در بحث و مذاکره شرکت کنند.

در این سمینار مطالب جالب و بسیار با ارزشی در زمینه مشکلات و مسائل دانشگاه های کشورهای در حال توسعه مورد بحث و مذاکره قرار گرفت و پیشنهادهای ارائه گردید. افزایش تعداد داوطلبان تحصیل در مؤسسات آموزش عالی اولین مطلبی بود که به بحث گذاشته شد و با نتیجه گیریهای زیر پایان یافت:

الف: پدیده افزایش تعداد داوطلبان ورود به مؤسسات آموزش عالی بهیچوجه خاص کشورهای در حال توسعه نیست بلکه کشورهای کاملاً توسعه یافته نیز این تجربه

را داشته اند.

ب: علی رغم این افزایش سریع و مضاعف متأسفانه هنوز مردم کشورهای در حال توسعه - در مقایسه با کشورهای کاملاً توسعه یافته - در زمینه آموزش عالی از فرصت های بسیار محدودی برخوردارند. آمار زیر بخوبی این واقعیت را مجسم میکند. در سال ۱۹۶۷ تعداد دانشجویان در هر ۱۰۰ هزار نفر در کشورهای زیر بدین طریق بوده است:

لبنان ۱۱۵۷، مصر ۳۶۵، سوریه ۵۹۳، ترکیه ۳۸۴، اسرائیل ۱۴۸۸، انگلستان ۷۱۶، فرانسه ۱۲۳۹، ژاپن ۱۳۹۸، شوروی ۱۸۳۰ و ایالات متحده امریکا ۱۴۷۱
ج: قبل از سال ۱۹۶۰ تعداد دانشجویان رشته های علوم انسانی دانشگاهها و مدارس عالی کشورهای در حال توسعه بمراتب زیادتر از دانشجویان رشته های علمی بوده است ولی این وضع در حال حاضر صادق نیست و در جهت عکس سیر میکند. در کشورهای توسعه یافته گرایش کاملاً معکوس وجود دارد و از سال ۱۹۶۰ به بعد تعداد دانشجویان رشته های علوم اجتماعی و انسانی روبه تزايد

گذارده است . در حالیکه در این سال تعداد دانشجویان رشته‌های علمی ۴۱ در صد جمع کل دانشجویان بوده و در سال ۱۹۶۷ این عدد به ۳۷ درصد کاهش یافته است .

در کشور های در حال توسعه اکثریت قریب به اتفاق جوانان به رشته‌های مهندسی و پزشکی متمایلند و این تمایل در بسیاری از موارد نامعقول و غیر منطقی است . تمایل فوق را تا اندازه زیادی میتوان منعکس کننده اهمیتی دانست که جامعه در مجموع بدین رشته‌ها میدهد و متأسفانه روز بروز نیز آن را «تقویت» میکند. در جامعه برای «کمال جوئی»، «موثر بودن» و «حسن شایستگی» جایی نیست. با این طرز فکر باید مبارزه کرد و ترتیبی داد که هر کس وظیفه خود را بهترین صورت انجام دهد و خواه پزشک عالیمقام باشد و خواه مستخدم دون پایه، دارای اهمیت و احترام باشد. جان گاردنر میگوید :

« . . یک لوله کش زبردست، صالح و وارد بکار خود به مراتب بر فیلسوفی

نالایق، متوسط، بی‌خبر، و فاقد صلاحیت برتری و مزیت خواهد داشت . اجتماعی که لوله کشیدن را در عالیترین شکل ممکن آن امری کوچک و حقیر میپندارد، تنها بخاطر آنکه شغل لوله کشی کار و فعالیتی پست و حقیر است، ولی هر نوع فرسودگی، ارتجاع و بی‌خبری را در فلسفه روا میدارد، فقط بخاطر آنکه این فعالیت مغزی دارای مقامی رفیع و ارجمند است، نه واجد یک دستگاه لوله کشی خوب و مطابق با اسلوب صحیح خواهد شد و نه آنکه قادر خواهد بود یک فلسفه معتبر، عملی، و مطابق با مقتضیات زمان ببار آورد. نه درسیستم لوله کشی و نه در تئوریهای فلسفی چنین اجتماعی آب بچریان خواهد افتاد!» (۱)

د: در کشورهای توسعه یافته نسبت کسانی که پس از ۴ یا ۵ سال از هنگام ورود بدانشگاه فارغ التحصیل میشوند به مراتب زیادتر از کشورهای در حال توسعه است. اگر کارآمدی و کفایت را بمعنی فوق تعریف کنیم بنابراین میتوان استنباط

(۱) حسینی، سیدعلی اکبر، تفکر خلاق: هدف غائی تعلیم و تربیت، انتشارات دانشگاه

کرد که درجه کفایت و بسا کارآمدی دانشگاه‌های کشورهای در حال توسعه از کشورهای توسعه یافته کمتر است .

انتخاب دانشجو دومین مطلبی بود که مورد بحث قرار گرفت . تقریباً همه نمایندگان کشورهای شرکت کننده این مسأله را بعنوان یکی از حادترین مسائل و مشکلات کنونی خود قلمداد میکردند و دنبال راهی بودند که بتوانند با آن دست و پنجه نرم کنند . مقامات دانشگاهی این کشورها از نظام «امتحانات ورودی» یا کنکور که اکنون متداول است سخت انتقاد میکردند و معتقد بودند که در انتخاب دانشجو باید راهی تازه برگزید و طرحی نو در انداخت . نتیجه گیری این بحث عیناً در طریق تحقیقی بود که بوسیله حسینی و رضویه (۱) در دانشگاه پهلوی صورت گرفته است . بر طبق این تحقیق پیشنهاد میشود که در انتخابات دانشجو از سه معیار زیر استفاده شود :

۱- نمرات دوره دوم متوسطه .

۲- نمرات آزمون‌های استاندارد شده استعداد تحصیلی .

۳- بررسی مختصات و عوامل شخصیتی چون انگیزش، رشد اجتماعی، ثبات عاطفی ، پایداری و غیره .

افزایش دانشجویان دختر در مؤسسات آموزش عالی کشورهای خاور میانه مطلب دیگری بود که بررسی شد و اینکه، با توجه به هنجارها و یا ارزش‌های گذشته و سنتی، چه تغییری در این مورد موجب شده است بحث و تبادل نظر گردید .

افزایش دانشجویان دختر در همه کشورهای شرکت کننده چشم گیر بوده است و نسبت این گروه به کل دانشجویان بین ۲۰ تا ۳۰ درصد است . بالاترین نسبت در کشورهای کمونیستی است که نسبتی در مرز ۵۰ درصد دارد . با آنکه در این زمینه اختلاف نظر هائی وجود داشت اما نتیجه گیری این بحث این بود که مؤسسات آموزش عالی کشورهای در حال توسعه هم اکنون خود را

(۱) حسینی ، علی اکبر ، و رضویه ، اصغر «تحقیق در مسابقات ورودی دانشگاه و رابطه آن با امتحانات ششم متوسطه و موفقیت دانشگاهی» خرد و کوشش : فصلنامه دانشگاه پهلوی شیراز ، دوره دوم، دفتر پنجم ، خرداد ۱۳۵۰، صفحات ۱۶ تا ۶۴

متعهد کرده‌اند تا نسبت به تعلیم و تربیت زنان اقدام کنند و نیروی آنان را در جهت تغییرات اجتماعی بکار گیرند. سئوالی که وجود داشت این بود که آیا باید این نسبت ۲۰ تا ۳۰ درصد افزایش یابد و یا آنکه در همین مرز باقی بماند.

نقش تحقیقات علمی در تنظیم توسعه آموزش عالی یکی از عمیق‌ترین و جالب‌ترین مباحثی بود که مورد عنایت و توجه شرکت کنندگان در این سمینار قرار گرفت. اغلب شرکت کنندگان بر آن بودند که در کشورهای در حال توسعه یا اصلاً تحقیقات ارزشمندی صورت نمی‌گیرد و یا آنکه این تحقیقات درجهتی نیستند که حل مشکلات و مسائل خاص آنان را تضمین کنند. توجه به تحقیقات اصیل بمنظور کشف روابط حاکم بر مسائل آموزش عالی و بکار بستن آنها به هنگام اخذ تصمیم یکی از توصیه‌های ارزشمند این سمینار به دانشگاه‌های کشورهای در حال گسترش بود.

شاید ایجاد دروس و یا مرکزی بنام «مرکز تحقیقات تعلیمات عالی» و یا حتی بخشی بنام «بخش تعلیمات عالی» بتواند

کمک فراوانی بدین منظور بکند. در این مرکز تحقیقات و بخش، علاوه بر تدریس دروس مربوط، میتوان تحقیقات و تفحصاتی را که باید در این زمینه انجام داد تنظیم و یا هماهنگ نمود و اطلاعات علمی لازم را بدست آورد. در هر صورت واقعیت غیر قابل انکار آن است که تحقیقات و پژوهش‌های علمی در زمینه آموزش عالی بسیار ناچیز است و باید هر چه زود تر در طریق رفع این نقیصه گام برداشت. تأمین بودجه تعلیمات عالی که بسرعت در حال گسترش است نیز یکی دیگر از مطالبی بود که ساعت‌ها از اذهان شرکت کنندگان را بخود مشغول داشت. کشورهای در حال توسعه باید در هزینه‌های خود نهایت صرفه‌جویی را اعمال دارند. سیاست «محکم کردن کمر بندها» را در تمام شئون مملکت به پذیرند، به تشخیص اولویت‌ها مبادرت ورزند، و اصل‌الاهم و الاهم را بپذیرند و با بیرحمی و دقت هر چه تمام تر آن را رعایت کنند. بعبارت دیگر این کشورها باید از مخارج زائد و غیر ضروری، و یا آنچه که جنبه لوکس و ترفن دارد،

اجتناب کنند، دو باره کاری و تکرار را کنار بگذارند، و در بکار گرفتن نتایج موجود در جاهای لازم تر و مفید اهتمام ورزند.

مسأله بامشکل جذب فارغ التحصیلان کشورهای در حال توسعه بوسیله کشورهای گسترش یافته واقعیت انکار پذیری است که حتی امید به آینده را نیز در معرض تزلزل و حرمان قرار میدهد. در سال ۱۹۶۸ هفتاد درصد از رزیدانس‌های ایالات متحده آمریکا از کشورهای غیر توسعه یافته بوده‌اند و این بدان معنی است که سالانه معادل یک بلیون دلار از بودجه این کشورها به بودجه آن کشور «صادر» شده است! چه حقیقت تلخ و ناگواری!!

تأسیس کالج‌های دو ساله بمنظور مبارزه با مشکل افزایش روز افزون داوطلبان ورود به مؤسسات آموزش عالی و تربیت تکنسین‌های مورد لزوم جامعه یکی دیگر از مطالب مورد بحث بود. در این موضوع بحث فراوان شد اما نظر کلی بر این بود که، با توجه به محدودیت‌های مالی و اقتصادی، مؤسساتی

از این قبیل نمیتوانند در کشورهای در حال گسترش نضج بگیرند و مشکلات موجود را مرتفع سازند. شاید استفاده از تجربه کشور چین و یا شوروی راه مقبول‌تری باشد. بدین معنی که دوران تحصیل از ۱۲ سال به ۱۰ سال تقلیل یابد و پس از آن سعی شود که افراد به مدارس حرفه‌ای راه یابند و نقص کنونی برطرف گردد.

نظر کلی و عمومی

۱- شرکت در این سمینار بخاطر آگاهی بر مسائل تازه تجربه‌ای بسیار پر قیمت و گران بها بود. در این سمینار ضمن تماس و مذاکره با مقامات آموزشی و اداری دانشگاه‌های کشورهای در حال توسعه و استفاده از تجارب آنان سعی کردم که به معرفی دانشگاه پهلوی شیراز اقدام کنم. با توجه به اینکه دانشگاه پهلوی در نظر دارد که بصورت یکی از مراکز علمی بین المللی درآید پیشنهاد میکنم که بر نامه‌هایی جهت معرفی دانشگاه پهلوی تنظیم شود و این مؤسسه را که در مقایسه با مؤسساتی چون دانشگاه امریکائی بیروت که بیش از صد سال تجربه

علمی و آموزشی دارد ، يك شبه راه درازی پیموده ؛ بهتر و بیشتر به کشورهای دیگر به ویژه کشورهای آسیا و آفریقا شناساند .

۲- شرکت من در این سمینار از طریق اطلاعاتی بود که شخصاً دریافت کردم و ضمن مکاتبه با دانشگاه امریکائی بیروت اطلاعات لازم را بدست آوردم . پیشنهاد میکنم از وزارت علوم خواسته شود که دانشگاه پهلوی را در جریان تشکیل این سمینار ها بگذارد و دانشگاه نیز بنوبه خود سعی کند افراد واجد صلاحیت را بدان گسیل دارد .

۳- در صورتیکه دانشگاه از مدت ها قبل در جریان تشکیل چنین سمینارهایی باشد و به گسیل داشتن فرد واجد صلاحیتی

تصمیم بگیرد ، پیشنهاد میکنم از او بخواهد که قبلا در زمینه مسائل مورد نظر به تهیه و تنظیم يك مقاله علمی مبادرت ورزد . مثلاً اگر من حداقل ۴ یا ۵ ماه قبل از شروع این سمینار از آن اطلاع داشتم قطعاً میتوانستم مقاله ای در یکی از مسائل مربوط تهیه کنم و به عرضه آن مبادرت ورزم .

۴- پیشنهاداتی که سمینارها به شرکت کنندگان میکنند و هر يك از شرکت کنندگان بهنگام مراجعت به مؤسسه خود تقدیم میدارند ، باید مورد بررسی دقیق قرار گیرند و در صورت لزوم در يك کمیته مورد تجزیه و تحلیل واقع شوند . این پیشنهادات میتوانند در بسیاری موارد موجبات تغییرات مطلوب را که سخت بدانها نیاز مندیم فراهم سازند .